

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای مسئله گسیبنا تحت

عنوان بررسی تطبیقی الگوهای حکومتمدیریتی در نظام مدیریت اساس نظریه مدیریت معاصر

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد

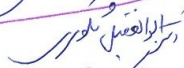
می کنند .

اعضای هیات داوران

۱- استاد راهنما



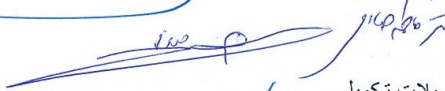
۲- استاد مشاور



۳- استاد ناظر



۴- استاد ناظر



۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی



آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **علوم سیاسی** است که در سال **۱۳۸۷** در دانشکده **علوم سیاسی**

دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **مصطفی پورسی**، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **رکنه ابوالفضل لوری** و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **منیره کسری بیبا** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** مقطع **کارشناسی ارشد** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

منیره کسری بیبا

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:

۱۳۹۱/۱۰/۱۵

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه / رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

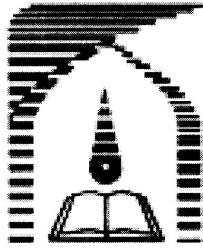
ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه / رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی

روابط اقشار حکومت کننده و حکومت شونده در نامه تنسربر

اساس چارچوب مصلحت عمومی ارسطو

نگارنده:

منیره کبیری نیا

استاد راهنما:

دکتر مصطفی یونسی

استاد مشاور:

دکتر ابوالفضل شکوری

اسفند ۱۳۸۷

چکیده

نامه تنسر از قدیمیترین اسناد تاریخی مربوط به عهد ساسانیان است. آگاهی تاریخی و سیاسی این روزگار از خلال این اندرزنامه تا حد زیادی امکانپذیر است. این نامه در پاسخ به سوالات پادشاه طبرستان به نام گشنسب نوشته شده است و در آن نویسنده نامه به حمایت و توجیه اقدامات پادشاه پرداخته است. این اندرزنامه به خوبی نشان دهنده تفکرات حاکم بر اجتماعات باستان و قشربندی های اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن است. نویسنده نامه در خلال پاسخ به سوالات به تبیین روابط حکومت کنندگان و حکومت شوندگان پرداخته است. در این نامه اقدامات حکمرانان در جهت تامین نفع و خیر عموم تفسیر شده است. حکمرانان در تامین مصلحت عموم به حفظ اقشار اجتماعی مبادرت ورزیده اند. این اقدام بر اساس آموزه های حاکم بر اجتماع ایرانی بوده است که نویسنده نامه به باز تولید این تفکرات در خلال اندرزنامه اش پرداخته است. پس این تفکرات در راستای حفظ اقشار در ترتیبات اجتماعی بوده و جابه جایی در نظم آنها بر خلاف نظم طبیعی و کیهانی منعکس شده در متون [فلسفی] و مذهبی قلمداد می شده است.

کلید واژه: روابط حکومت کننده و حکومت شونده، قشربندی، مصلحت عمومی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه، کلیات، طرح تحقیق

۲	مقدمه.....
۳	۱-۱- طرح مسئله.....
۵	۱-۲- سوال تحقیق.....
۶	۱-۳- فرضیه تحقیق.....
۶	۱-۴- ادبیات تحقیق.....
۷	۱-۵- روش تحقیق.....
۷	۱-۶- اهداف تحقیق.....
۷	۱-۷- ساماندهی تحقیق.....

فصل دوم: چارچوب مصلحت عمومی ارسطو

۹	۱-۲- مقدمه.....
۱۰	۱-۱-۲- فلسفه نظری و فلسفه اخلاق.....
۱۳	۱-۲-۲- فلسفه سیاسی.....
۲۰	۱-۲-۳- مصلحت عمومی در چارچوب نظام پادشاهی.....

فصل سوم: روش ریکور در خوانش متون

۲۷	۱-۳- مقدمه.....
۳۰	۱-۱-۳- قلمرو هرمنوتیک.....
۳۴	۱-۲-۳- هرمنوتیک متن محور ریکور.....

فصل چهارم نامه تنسر و اندرزنامه

- ۴-۱- نامه تنسر ۴۳
- ۴-۲- اندرزنامه ۴۷

فصل پنجم: نظریات پیرامون اقشار در اجتماعات باستان

- ۵-۱- نظریات قشربندی ۵۰
- ۵-۲- طرح نابرابری ها در ایران باستان ۵۳
- ۵-۳- وضعیت قشر حکومت کننده و حکومت شونده در عهد ساسانی ۶۶

فصل ششم: بررسی حفظ اقشار در نامه تنسر بر اساس نظریه مصلحت عمومی

- ۶-۱- بررسی حفظ اقشار در نامه تنسر بر اساس نظریه مصلحت عمومی ۷۳
- ۶-۲- نتیجه گیری ۸۴
- منابع ۸۷
- چکیده انگلیسی ۹۲

فصل اول:

مقدمه، کلیات، طرح تحقیق

مقدمه

تطبیق تفکرات و تراوشات فلسفی و اندیشه ای گذشتگان به ویژه در اجتماعات باستانی می تواند نکات اشتراک و افتراق و تاثیرات فرهنگ سیاسی اجتماعات بر یکدیگر را نشان دهد.

تطبیق و بررسی دو اجتماع غربی که در اینجا، ارسطو نمایانگر آن تفکر است و اجتماع شرقی که نویسنده یا نویسندگان اندرزنامه تنسر، نمایانگر آن است، در عین حال که جالب می نمایند، ریشه های عمیق اندیشه سیاسی حاکم را نشان می دهد.

در اجتماعات باستانی اغلب عموم مردم از نقشهای سیاسی برکنار مانده اند و قشر بندی های سیاسی در روند و فرایند اجتماعی شدن برای آنها برطبق آموزه های دینی تبلیغ شده از سوی حاکمان امری پذیرفته شده بوده است. متفکران آن عصر در تبیین روابط حکومت کنندگان و حکومت شوندگان مرزهای غیر قابل تغییری را ترسیم می کرده اند که بر طبق آن، مشارکتهای سیاسی به قشر های خاصی تعلق می گرفت. تمایزات و ویژگیهای ممتاز قشری جز لاینفک اجتماعات باستانی است. اقشار حکومت کننده اغلب از اقشار ممتاز اجتماع بوده اند و وظیفه آنها در تقسیم کار اجتماعی حکمرانی بوده است. اغلب آثار نوشته شده توسط این اقشار به خصوص در قالب اندرزنامه ها به توصیف و توجیه اقدامات حکمرانان پرداخته و این اقدامات را به خیر و صلاح عموم قلمداد می کرده اند.

نامه تنسر، مهمترین ویژگی آن نشان دادن قشربندی های حاکم بر آن عهد است. حکومتهای باستانی در روابطشان با حکومت شوندگان برای حفظ اجتماع و قلمرو تحت حکومتشان ناگزیر به حفظ این فاصله های باصطلاح طبقاتی بوده است که این امر در اغلب آثار به جا مانده از آن زمان نشان داده شده است. در تطبیق بخشی از نظریه سیاسی ارسطو با مفاهیم شرقی منعکس شده در اندرزنامه مذکور، نقاط اشتراکی در باب حفظ اقشار اجتماعی و فاصله های با تسامح طبقاتی موجود است که در این تحقیق در حد توان سعی خواهد شد، این نکته بررسی شود.

۱- طرح مسئله:

واژه مصلحت عمومی^۱ از مفاهیم محوری در واژگان اندیشه سیاسی می باشد. سابقه طرح مفهومی این واژه در اندیشه سیاسی به فلسفه سیاسی یونان برمی گردد. به عبارتی مشخص تر مصلحت عمومی محور اصلی و قلب فلسفه سیاسی ارسطو را تشکیل می دهد. ارسطو در طبقه بندی نظامهای سیاسی تأمین مصلحت عمومی را با ضابطه شمار فرمانروایان قوام می آورد و درست تر، نظام سیاسی درست را بیشتر از آنکه از مجرای شمار فرمانروایان تعریف کند با تکیه بر ضابطه تأمین مصلحت عمومی می شناساند. به عبارتی ضابطه ای را که ارسطو در بازشناختن نظامهای سیاسی درست از منحرف و تشخیص و تعیین نظام سیاسی وارد می کند، مفهوم بنیادین مصلحت عمومی است. در دفتر سوم رساله "سیاست" ارسطو پیش از آوردن تفصیل نظر خود درباره بهترین نظام سیاسی در اشاره ای به ضابطه مصلحت عمومی به عنوان مفهوم بنیادین فلسفه سیاسی، می نویسد:

"پس روشن است که نظامهایی که به مصلحت عمومی نظر دارند با توجه به عدالت در معنای مطلق آن نظامهایی درست و نظامهایی که تنها به نفع فرمانروایان نظر دارند نظامهایی نادرست اند....." (عنایت: ۱۱۸، ۱۳۸۴)

مصلحت عمومی چنانکه ارسطو در رساله سیاست توضیح می دهد، همان خیر عمومی در قلمرو شهر است، که به نفع عمومی توجه دارد، نه نفع خصوصی. در نظر ارسطو نظامهای سیاسی منحرف نیز مانند افراد که نفع خصوصی خویش را در نظر دارند، نفع فرمانروایان را تأمین می کنند. اما نظامهای سیاسی درست، نفع عمومی و خیر کل اجتماع را در نظر دارند. تأکید ارسطو بر رعایت مصلحت عمومی در کتاب سوم رساله سیاست، نشان دهنده توجه او به مردم و نظام مردمی در یک اجتماع سیاسی است. به این ترتیب ارسطو

1 - common interest

معیار مشخص کننده مصلحت عمومی را در روابط بین حکومت کنندگان و حکومت شونده‌گان می‌داند. به عبارتی در روابط بین این دو گروه اجتماع است که می‌توان تعیین کرد که چه میزان "خیر" عمومی و نه خصوصی و مصالح و منافع آنها (اقشار اجتماع) توسط حاکمان رعایت شده است.

از طرفی، ارسطو اجتماع سیاسی را توده یکسانی از افراد همشکل و یکسان نمی‌داند، بلکه آنها را متشکل از اقشار^۲ مختلف (که هر قشر دارای ویژگیهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی می‌باشد)، می‌داند که وظایف و کارکردهای متعددی را جهت تحقق اهداف اجتماع سیاسی انجام می‌دهند. ارسطو در دفتر هفتم سیاست، اینگونه قشربندی جامعه را نشان می‌دهد:

" هر اجتماع سیاسی به شش چیز نیاز دارد: نخست خوار و بار، دوم هنر و پیشه؛ زیرا برای زندگی افزارهای گوناگون لازم است. سوم سلاح: زیرا افراد هر کشور باید خواه برای امنیت داخلی و خواه برای در هم شکستن حملات بیگانگان مسلح باشند. چهارم پول کافی، خواه برای برآورد نیازهای داخلی و خواه برای پرداخت هزینه های جنگ، پنجم دین که باید از همه برتر باشد و آن را کهانت می‌نامند، ششم و از همه مهمتر ترتیب و وسیله ای که بتوان به دستیاری آن صلاح مردمان را باز شناخت و حق را به حقدار رساند. پس اجتماع سیاسی باید بتواند همه نیازهای خود را برآورد. بر اساس این وظایف در اجتماع سیاسی اقشار ششگانه به وجود می‌آید. " (عنایت: ۱۳۸۴، ۳۰۰)

ارسطو بر اساس نظریه مصلحت عمومی خود معتقد است که زمانی خیر و منفعت عمومی اقشار اجتماعی، که اجتماع سیاسی را تشکیل می‌دهند، محقق می‌شود که حکومتگران و قشر حاکم از دخل و تصرف در کارکرد و موجودیت کل اقشار جلوگیری کنند. به عبارتی دیگر، خیر همگانی اقشار و نه قشر خاصی زمانی

1 _ goodness

2 _ strata

محقق می شود که در شکل و تعداد و کارکرد اقشار اجتماعی برای حفظ اجتماع سیاسی دست اندازی نشود.

حال با توجه به این پشتوانه نظری، ایده مورد اشاره در یکی از متون باستانی ایران به نام اندرزنامه تنسر بررسی خواهد شد. رساله موجود از نامه تنسر اسم کامل "نامه تنسر به گشنسب" است که ترجمه ای فارسی از ترجمه عربی متن پهلوی می باشد. این نامه در متن کتاب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار محفوظ مانده است. مطابق مقدمه ابن مقفع بر ترجمه عربی نامه، هر بدهربذاه اردشیر بابکان در جواب شاه طبرستان و در اثبات حقانیت حکومت اردشیر دست به تألیف این اثر زده است. اغلب اندرز نامه ها در تاریخ ایران از دوران باستان در صدد تبیین رابطه حاکمان و محکومان بوده اند. در ادبیات سیاسی باستانی ایران در تبیین رابطه ایندو هیچگاه محکومان و تحت حکومت شوندگان در گفتمان سیاسی حاکم از حقوق سیاسی برخوردار نبوده اند. ویژگی مشترک همه اجتماعات باستانی قشری بودن آنها بوده است و اغلب هیچ تغییر و دخل تصرفی در آنها توسط حکومت کنندگان صورت نمی گرفته است. نامه تنسر از اندرزنامه هایی سیاسی است که به شدت در صدد تبیین روابط حکومت کنندگان و حکومت شوندگان است. علاوه بر این موارد، توجه به قشری بودن اجتماعات ایران باستان و مبنای حکمرانی حکومت کنندگان در قبال حکومت شوندگان، از جانب مولف نامه تنسر رعایت شده است.

۱-۲ سوال تحقیق:

در نامه تنسر، در بررسی و تبیین روابط قشر حکومت کننده با اقشار حکومت شونده بر اساس مصلحت عمومی، آیا بر لزوم حفظ اقشار اجتماعی در روابط میان این دو قشر تاکید می شود؟

۱-۳ فرضیه تحقیق:

در نامه تنسر، مصلحت عمومی اقشار حکومت شونده در بستر حفظ اقشار اجتماعی صورت می پذیرد.

۱-۴ ادبیات تحقیق:

نامه تنسر، تنها به صورت ترجمه ای مصنوع و ادیبانه به فارسی به دست ما رسیده است که به مناسبتی مؤلف تاریخ طبرستان آن را با این انگیزه که بیانگر قسمتی از تاریخ آن ولایت است از عربی ترجمه کرده و در کتابش گنجانده است. در اینجا ارجاع به طبع مجتبی مینوی خواهد بود که نامه را به صورت کتابی مستقل و با حواشی فراوان و سودمند منتشر ساخته است. مری بویس نامه را با مقدمه و حواشی مفید به انگلیسی ترجمه کرده و در آن به برخی افزوده ها در حین ترجمه از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی اشاره کرده است. از دیگر آثاری که به نامه تنسر اشاره دارد و آن را یکی از متون مهم ساسانی مطرح می کنند می توان کتاب سوم و چهارم دینکرد را نام برد. همچنین در *التنبیه و الاشراف مسعودی*، *مروج الذهب*، *تجارت الامم ابوعلی مستویه*، *تحقیق ماللهند ابوریحان بیرونی*، *زبدہ التواریخ ابوالقاسم عبدا. . . بن محمد کاشانی*، *تاریخ بلعمی* در جلد دوم، *گزیده زادسپرم*، *اندرزنامه های پهلوی* نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

در زمینه ارتباط میان اقشار اجتماع و حکومت کنندگان در ایران باستان، اثر *امانوئل کریستین سن* به نام *"وضع دولت و ملت در دوره ساسانی"* است که به توصیف ساختار حکومتی و اوضاع فرهنگی عصر ساسانی اختصاص دارد. دیگر کتاب کریستین سن *"ایران در زمان ساسانیان"*، مکملی بر کتاب پیشین در زمینه ساسانیان می باشد. *تاریخ تحولات اجتماعی مرتضی راوندی*، *تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران غلامرضا انصافیپور*، *عهد اردشیر* نیز می توان اشاره کرد. البته باید ذکر شود که در

باب موضوع که کاربرد بخشی یا مقوله ای از فلسفه سیاسی یونانی ارسطو در باب یک اندرزنامه ایرانی است تا به حال اثری به رشته تحریر در نیامده است .

۱-۵ روش تحقیق:

روش انتخاب شده برای این تحقیق، روش هرمنوتیک خوانش متن پل ریکور است، که به بررسی محتوای متن و معنای نهفته در متن می پردازد. دلیل انتخاب این روش، جنس و ویژگی نامه مورد بررسی است. زیرا در مورد نامه مذکور، از نام حقیقی و یا به نظر عده ای مولفین اثر، حدود زمانی تاریخ تألیف اثر و فضای فکری دقیق زمانه اطلاعات محکم و قابل اتکایی وجود ندارد.

۱-۶ اهداف تحقیق:

هدف این تحقیق که به طور تطبیقی میان دو دیدگاه نظریه قشربندی سیاسی ارسطو بر اساس نظریه مصلحت عمومی و دیدگاه موبد ایرانی عهد ساسانی در نامه مذکور صورت گرفته است، نشان دادن ویژگیهای مشترک اجتماعات باستانی و حاکم بودن دیدگاههای باصطلاح محافظه کارانه بر متفکران و نیز مرتبپین با حکومتها است تا بدین طریق به کشف معناهای سیاسی در نامه تنسر دست یافته شود.

۱-۷ ساماندهی تحقیق:

در تحقیق حاضر، به مقتضای موضوع و شیوه بحث، پس از فصل مقدماتی، در قسمت آغازین، به تشریح نظریه مصلحت عمومی ارسطو پرداخته خواهد شد. سپس مباحثی در مورد نامه تنسر، ماهیت اندرزنامه ها، نظریات پیرامون قشربندی در اجتماعات باستانی، وضع حکومت کنندگان و حکومت شوندگان در عهد ساسانی، و سپس روابط دو قشر مذکور در نامه تنسر بر اساس نظریه مصلحت عمومی ارسطو و در قسمت پایانی و نتیجه گیری به آزمون فرضیه و تحلیل نتایج اختصاص خواهد یافت.

فصل دوم:

نظریه مصلحت عمومی ارسطو و قشر بندی

سیاسی و اجتماعی

۲- مقدمه:

برای فهم فلسفه سیاسی ارسطو به طور اعم و دیدگاه وی در باب "مصلحت عمومی"، به صورت اخص می‌بایست در وهله اول با دیگر اجزای نظام فلسفی او و به خصوص "فلسفه اخلاق" ارسطو آشنا شد، زیرا می‌توان گفت که مباحث مختلفی که ارسطو در باب عناوین و موضوعات مختلف مطرح کرده است، با یکدیگر در یک همبستگی ارگانیک به سر می‌برد.

فلسفه ارسطو دارای ویژگیهای خاصی است. "فلسفه ارسطو از جهات مختلف، فلسفه" باز^۱ تلقی میشود نه مجموعه ای از تعالیم بسته. . . که مورد آخر به نظر من دو دلیل دارد اول اینکه: هدف او ایجاد یک فلسفه مدون و جامع و رسیدن به نتایجی قطعی و صحیح در باب سوالات مورد بررسی بوده است. . . دوم اینکه: آثار وی به مدت طولانی مورد مطالعه قرار گرفته، گویی که این آثار واقعا مشتمل بر مجموعه ای از تعالیم تحکم آمیز بوده اند. "رسالات"^۲ یا "دروس"^۳ وی به عنوان حرف آخر قلمداد شده است. متعلمین به جای این که به ارزیابی نقادانه این آثار ترغیب شوند، صرفا به فراگیری و پذیرفتن حقایق بدون چون و چرای این آثار سوق داده شده اند. " (اکریل: ۱۳۸۰، ۲۵-۲۶)

با دقت در تمام فعالیت‌های ارسطو اشتیاق عجیب ارسطو به مشاهده گری دنیا و تفسیر آن مشاهدات آشکار می‌گردد. ارسطو بر خلاف استادش تلاشی در به پرواز درآوردن پرنده ذهن نمی‌کند و ترجیح می‌دهد با نوعی واقع‌گرایی خوب ببیند و سپس مشاهداتش را با وضع قوانین دقیق مورد بررسی قرار دهد. او با جرات تمام این گونه مشاهده کردن و تفسیر مشاهدات بر اساس قوانین مشخص را به تمام شاخه‌های علم تعمیم می‌دهد. او همراه با بررسی علوم مختلف به تقسیم بندی و شاخه بندی آنها نیز می‌پردازد.

1 _Open
2 _Treatises
3 _Teachings

۲-۱-۱ فلسفه نظری و فلسفه اخلاق

از مبانی فلسفی ارسطو آنچه به فلسفه سیاسی او مربوط می شود بحث شدن یا گردیدن (صیوروت یا حدوث) است که پیش تر، هراکلیت آن را به شکلی ساده تر به یونانیان آموخته بود. ارسطو فکر هراکلیت را یک مرحله پیش تر برد و گفت که همه هستی ها خواه مادی خواه معنوی، خواه جاندار یا بی جان، پیوسته در حال شدن هستند و مراد از شدن آن است که خاصیت بالقوه ای در آنها به حالت بالفعل در می آید و این حالت بالفعل، غرض و غایت وجود هر چیز را تحقق می بخشد. " (عنایت: ۱۳۸۴، ۸۲-۸۳)

این دیدگاه تکاملی به علت آنکه کاملاً جای پای خود را بر روی "زمین" و "نظام مادی که بشر در اطراف خود می بیند" نه فقط در "آسمانها" (در آن جا منظور از زمین و آسمان، وجه مکانی و جغرافیایی آنان نیست بلکه جنبه نمادین آنان که حاکی از مادی و معنوی است، می باشد) به اخلاقی "عینی" و قابل دسترس و تعریف "منجر می شود. از نظر ارسطو "سلسله مراتب هستی ها از ماده بی صورت آغاز می شود و به صورت بی ماده پایان می یابد. آدمیزادگان در مرحله ای میان این آغاز و فرجام زیست می کنند یعنی نه ماده محض اند و نه صورت خالص. ارسطو از این تعلیم در توجیه سیر تکاملی زندگی اجتماعی بشر استفاده می کند و نشان می دهد که چگونه هر مرحله از این سیر به حکم ضرورت به مرحله ای بالاتر و بی نقص تر می گراید. " (عنایت: ۱۳۸۴، ۸۳)

ارسطو در حقیقت بر خلاف سلف و استاد خود "افلاطون" سعی در ایجاد پلی میان "واقعگرایی" و "ذهنی گرایی و آرمانگرایی" بوده و با این که به مساله کمال و صیرویت بشری در همهء زمینه ها معتقد است اما این کمال در همین دنیای مادی و در بن مایه و ذات این جهان قرار دارد. این نگاه در فلسفه اخلاق وی کاملاً هویداست.

ارسطو در کتاب "اخلاق نیکوماخوسی"^۱ که عمده اثر او در باب اخلاق است اصطلاحی را به کار می برد که بن مایه و شالوده نظر او در باب اخلاق و کارکرد آن برای انسان است، در واژه یا اصطلاح "سعادت" یا "خوشبختی یا خرسندی"^۲ مندرج شده است. البته از نظر برخی شارحین ارسطو، همچون "جی. ال. اکریل"^۳ در زبان انگلیسی واژه دقیقی برای اصطلاح مورد نظر ارسطو نیست. (اکریل: ۱۳۸۰، ۶۵).

شاید بتوان گفت در زبان فارسی هر دو کلمهء خوشبختی که معادل لفظی و سعادت، معادل معنایی "Happiness" است، معادلهای خوبی باشد.

از نظر ارسطو، سعادت به این معنی مقصد و هدف نیست، بلکه چیزی است که همراه فعالیت‌های معینی است، نه اینکه هدف این فعالیتها باشد. سعادت به عنوان یکی از خصوصیات زندگی مردم، طریقه ای است برای مواجهه و اشتغال به فعالیت‌های گوناگون حیات مانند خوردن و مهر ورزیدن و کار کردن و غیره. اگر کسی به این فعالیتها به نحوی اشتغال ورزد، در آن صورت می توانیم بگوییم که او سعادت‌مند است. (پاپکین و استرول: ۱۴۰۸. ه. ق، ۱۶)

شاید بتوان گفت که اگر بخواهیم با زبان مکاتب اخلاقی فلسفی جدید سخن بگوییم، ارسطو دارای اخلاقی مبتنی بر "اصالت" است. بدین معناست که در مقابل فلسفه فضیلت مدار "کانت"^۴ نظریه ارسطو بنا فرض مقدمه ای برای اصالت فضیلت بوده است، چرا که او خیر یا غایت انسانی را خوشی، یعنی حالت روانی و نیز بالفعل خرسندی یا لذت و... دانسته و درباره وسایل و ابزارهای رسیدن به این حالت سوال کرده است. . . شخص باید تنها به این دلیل آراسته به صفات مذکور شود که آنها مولد غایت روانی مطلوب می داند، و فقط در چنین اوقاتی این اخلاق را اختیار کند. " (اکریل: ۱۳۸۰، ۶۶)

1 _Nicomachean Ethics

2 _Happiness

3 _J. L. Ackrill

4 _Kant

ارسطو دستورعمل مشخص و مشترکی برای همه آدمیان برای دستیابی به خوشبختی یا سعادت نمی دهد، بلکه خوشبختی برای هر کس و با توجه به خصوصیات روحی و روانی هر فرد و با عمل کردن به یک اصل مشترک و حاکم در تمام انسانها یعنی "عقل"، امکان پذیر است. ارسطو با این نظر، میان دو امر "معین" و "نا متعین"، ارتباط برقرار می کند و اخلاق را از آسمان به زمین می آورد. " پاسخ ارسطو به این سوال که "بهترین زندگی کدام است؟" از طریق استدلال در مورد "عمل و کار ویژه" انسان، یا طبیعت متمایز انسان، یعنی (فصل ممیزه انسان که همان عقل است)، می باشد. این استدلال به این نتیجه منجر می شود که بهترین زندگی (سعادت)، عبارت از زندگی مشحون از فعالیت عالی در انطباق با عقل است. (اکریل: ۴۰۶، ۱۳۸۰)

عقل و اصالت بخشیدن به آن، ارسطورا به قاعده "اعتدال" در اخلاق می کشاند. این نظریه که "اعتدال طلایی"^۲ نیز خوانده می شود، در این عبارت ارسطو چنین معنا پیدا می کند: "فضیلت صفت مشخصه ای است که در حد وسط (اعتدال) نهفته است. حد اعتدال ارسطو بدین معنا نیست که هر چیز متوسط و بین دو چیز معیار اخلاقی بودن یا غیر اخلاقی بودن است بلکه این اعتدال اولاً در میان افراط و تفریط است، ثانیاً برای هر فرد انسانی این نقطه طلایی متفاوت است و بستگی به خصوصیات روحی و روانی هر شخص این نقطه اعتدال متفاوت است. (اکریل: ۴۰۸، ۱۳۸۰)

"حد وسط" بنا بر نظر ارسطو، به خوب غذا خوردن شباهت دارد. ادمی چه اندازه باید غذا بخورد تا خوب تغذی کرده باشد. عقیده ارسطو این است که هیچ پاسخ کلی و قطعی برای این سوال بمعنی تعیین مقدار مخصوص مثلاً دو کیلو غذا در روز، وجود ندارد. این مقدار به اندازه قد و وزن و نوع کاری که انسان می کند و اینکه سالم و بیمار است و نظایر آن، بستگی دارد. . . پس مقدار درست و مناسب خوراک را برای هر

1 _Function

2 _The Golden Means